

بازی‌های محلی گازرون

(۹)

گفتندك ملاقی

ملاق بافتح اول و تشدید ثانی یعنی پشتك زدن میباشد. کفتر ملاقی به کبوترهایی گویند که هنگام پرواز زیاد وارو زتند و معروف عام است. در این بازی فقط ۶ نفر شرکت می‌کنند. ابتدا بازیکنان بضریق و رآمدن بدو دسته ۳ نفری تقسیم می‌شوند سپس بحکم تر و خشك کردن دو نفر از يك گروه باسن‌های خود را بهم میزنند و بحال رکوع درمیآیند و از میان رانها، دسنهای یکدیگر را میگیرند. نفر ثالث هم زانو بر زمین زده بشکل پله درمیآید و سر خود را پئی آندو تکیه میدهد. آنگاه نفرات گروه دوم یکی یکی سر بر پله میگذارند و از روی کفل‌های آندو نفر دیگر پشتك میزنند تا زمانی که یکی از آنها نتواند پشتك زند و بازنده شود.

حلال و حرام

بازی جالب و پرشور است. در این بازی معمولاً دو دسته ۳ یا ۴ نفری شرکت دارند که با تر و خشك کردن، بازیکنان یکدسته بالا و گروه دیگر پائین قرار میگیرند بدین معنی که برای این بازی دو جایگاه (دکه) معین مینمایند. یکی جایگاه گل زدن یا برتاب توپ و دیگری بفاصله تقریباً ۸ متر دورتر - محل حلال شدن حرام شدگان است. توضیح اینکه هر بازیگر از گروه بالائی باید با چوب نیم متری که در دست دارد و آنرا (سه) یعنی دسته مینامند، بر توپ بافته شده‌ای که در آن لاستیک بافته شده قرار داده باشند طوری بزنند که از دکه دوم بگذرد و خود بسرعت برای حلال شدن بدکه دوم رود و برگردد بی آنکه مورد اصابت توپ که

بازیکنان پائین بطرف او پرتاب می‌کنند واقع شود. چرا که در آن صورت بازنده محسوب میشوند و هر بازیگر بایک ضربت که بر توپ می‌زند حرام میشود فقط استاد تا ۳ ضربت میتواند بزند. هر حرام شده‌ای باید برای حلال شدن بدکّه دوم برود و برگردد. هر گاه در فاصله بین دو دکّه، بازیکنان قسمت پائین توانستند توپ بر بازیگری که میخواهد حلال شود بزنند گروه دیگر پائین می‌روند و بیازی خود ادامه میدهند.

آرد جو خراسانی

در این بازی نیز دو گروه شرکت دارند که با تر و خشک کردن افراد یک گروه بردوش افراد گروه دیگر سوار شده بفاصله یک متر در یک ردیف می‌ایستند. آنگاه یکی از گروه سواره کلامی را در دست گرفته مرتب بر پیشانی نفر پیاده می‌زند و این ترانه را میخواند: آرد جو خراسانی، بمرد ما میرسانی، بمرد ما میرسانی، مردم ما سیر دارد - کمر دارد - شمشیر دسته زر دارد، مرد ما شیر، بدسنش شمشیر - آهای آهای! عمو یادگار - خوابی یا بیدار؟ و رو بطرف نفر سواره دیگر کرده کلاه بطرف او میاندازد. و همینطور تا زمانی که کلاه بر زمین افتد بازی ادامه مییابد.

های چل

ابتدا بازیکنان بدو دسته تقسیم می‌شوند سپس افراد یک دسته در گوشه و کنار زمین وسیعی تپه‌های کوچک خاکی درست میکنند و فریاد پرمی‌آورند: های چل... های چل! گروه دوم که در بیرون زمین ایستاده‌اند باین فریادها... بدرون زمین می‌روند و یکی یکی تپه‌ها را می‌چوبند و ویران می‌سازند هر گاه پس از بیرون رفتن از زمین تپه‌ای را بی‌آنکه قادر بیافتن و ویران ساختن آن شوند باقی گذاشتند بازنده محسوب می‌شوند و بکدور بگرد زمین سواری خواهند داد.

ترانه هانی در بازیهای محلی کازرون

اغلب شبها پس از صرف شام بچه‌ها و جوانان یکی یکی به میدان بازی می‌آیند. اولین کسیکه وارد محل بازی شد با خواندن این ترانه دیگر بازیکنان را بیازی میخواند:

جیم ، جیم ، بند قیون (قیان) سنگ ترازون (ترازو) .
 بچه‌ها شوم (شام) نخورین ، بیوین (بیایید) بازی !
 هرگاه بکی از بچه‌ها غائب باشد و یا نخواهد که بازی آید این ترانه
 را برای تنبیه و سرزنش او میخوانند :

- نامی ، نامی !
- کی نامی ؟
- علی نامی .
- چشمی ؟ (چه چیزش بود !)
- بچشمی (بچه‌اش بود .)
- بچه‌چه ؟
- بچه‌گراز !
- چه یادگارش ؟
- سیخ دراز
- چه بالاترش
- ستون حموم
-

تا آنکه آن بچه بیاید و بازی را شروع نمایند .

پایان

شورشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

آتش نشانی در دریای خزر

اخیراً در دریای خزر نزدیک صخره‌های زیر آبی موسوم به کومان ،
 فشان شد . ستون آتش با ارتفاع دوست متر بر فراز سطح آب بالا رفت
 و تمام اطراف را گرفت . آتش فشان مدت پانزده دقیقه ادامه داشت ،
 و از فرونشستن آن و محوشدن درد معلوم شد که در محل مذکور جزیره
 دیدی بوجود آمده است . متخصصین فعالیت آتش فشان نزدیک سنکلاخ
 و آبی کومان را دلیل وجود مقدار کثیری نفت و گاز در آن ناحیه
 دانند .